



بررسی مردم شناختی باورهای عامیانه

علی سهامی

مقدمه:

بررسی باورها آغازگاه پیدایی فرهنگ است. با تحول باورها به عنوان بنیادی‌ترین جهان‌بینی انسان، فرهنگ سویه‌های گوناگونی به خود می‌گیرد. شناخت فرهنگ هر ملت و قومی بدون شناخت تحولاتی که در باورهای آن قوم به وجود آمده امکان‌پذیر نیست. بنابراین شناخت تحولات و تطوری که در باورها، خرافات و موهومات یک قوم تا کنون در رخساره‌های گوناگون نمود پیدا کرده است ما را در شناخت

بسیاری از تحولات اجتماعی، اعتقادی، سیاسی و فکری ایران زمین یاری خواهد نمود. عقاید و باورداشتهای هر قومی با توجه به شیوه زندگی، در عمق فکر و ذهن آن قوم ریشه دارد و هنگامی که با دید باز و تفکری ژرف به مفهوم این اعتقادات توجه داشته باشیم، در خواهیم یافت که در هر کدام از آن باورهای ویژه دستوری، بهداشتی، اخلاقی و انسانی بسیار مفید نهفته است، که رعایت کردن آنها نه تنها مفید و لازم زندگی می باشد، بلکه در نهایت در راستای رهنمود دادن به مردمی خواهد بود که به این باورها معتقد هستند. حتی در افراطی ترین این دستورات راز و رمزی پنهان است که به علت فراموشی فلسفه وجودی آن آداب معمولاً آن ها را خرافات می نامند.

آنچه در اجتماعات کنونی به عنوان خرافات و موهومات به چشم می خورد جلوه هایی از اندیشه ها و اعتقادات نیاکان ارجمند ماست، که ریشه یابی و تحلیل این باورها که در زمان های دراز دگرگونی ها به خود گرفته، در اثر پیشرفت روزافزون بشر به دست فراموشی سپرده شده است. خیلی از این باورها نشان دهنده عدم شناخت بشر اولیه از محیط و طبیعت اطرافش بوده است که امروزه به سبب بالا رفتن علم و آگاهی اش به صورت پندار و خرافه درآمده، ولی به عنوان گنجینه های مسیر تکاملی و پیشرفت اندیشه بشری بایستی به ثبت رسانده شود.

پاره ای از این باورها مثل دخیل بستن و درمان خواهی از درختان دارای ریشه ی مردم شناسی هستند و سوگند به «خورشید نازنده» در زبان کردی (وه خور نازار) بیان می شود اشاره به آیین مهر پرستی دارد. در این جستار به ریشه یابی و تحلیل چند باور کردی می پردازیم.

۱. درخت:

آب و درخت از دیرباز در ایران مقدس و دارای ارج بوده است. در نقشهای مختلف تاریخی ایران نقش درخت زندگی یکی از مظاهر مذهبی بوده که از دوران های پیش از تاریخ تا پس از دوران ساسانیان همواره زینت گر اشیاء نقش دار بوده است.

گیاه و سبزه و درخت از دیرباز در میان کردان حالتی تقدیس آمیز داشته است. وجود نظرگاه ها و درختان نظر کرده در روستاها و مناطق عشایری غرب کشور نشان دهنده اعتقاداتی است که از صمیم قلب برخاسته و به آن پایبند می باشند. چنانچه آرزو و مراد خود را با درختی که آن را «نظر کرده» می خوانند در میان می گذارند و سپس پارچه سبزی را بر شاخه آن بسته و در انتظار برآورده شدن حاجت خود می نشینند. البته در بیشتر تمدن ها درباره درخت معتقاداتی مذهبی رواج دارد و مردم عبادتشان می کنند.

به اعتقاد یونانیان دریاها (dryade)، یعنی ربه النوعی (nymphne) که در جنگل ها می زید و موکل درختان و نگهبان بیشه زاران است (در درخت سکنی دارد و «مقدر چنین بوده که اقامتگاه ثابت این الهه گان

ظریف، زیر پوست درختان جنگلی باشد». در قرون وسطی باور داشتند که درخت، منزل پریان است و از این رو در نزدیکی هر روستا «درخت پریان» یافت می‌شد که آن را با تاج گل می‌آراستند و دختران جوان سال روستا، دورش، به رقص و پایکوبی می‌پرداختند.

۱-۱- تایو (taive) درختی است که در نزد عشایر غرب کشور به ویژه کلهر مقدس است و اعتقاد دارند که عصای دست چوپان اگر از جنس این درخت باشد مبارک است و باعث خیر و برکت می‌شود. از چوب این درخت به اشکال کوچک و نقش و نگاری بر آن درست می‌کنند و به گردن احشام می‌اندازند.

۲. مهره

استفاده از مهره آبی در بین عشایر و روستاییان غرب کشور برای دفع چشم زخم رایج است آنها حتی به لباس بچه‌ها و پیشانی گاو و گوسفند و بز می‌آویزند. در کتاب «رمزهای زنده جان» یاقوت کبود، نماد پهناوری آسمان نیلگون است. در یونان باستان یاقوت کبود شفای درد چشم است و یاقوت کبود، گوهر زحل است و بدین جهت از اثرات سوء آن سیاره که عبارتند از باد مفاصل (روماتیسم) و عرق النساء و صرع و غیره جلوگیری می‌کنند.

تابش و درخشش نیلگون این گوهر، صلح و آرامش می‌آورد و خشم و کینه را فرو می‌نشانند. در قرون وسطی یاقوت کبود، نگین انگشتری اسقفان بود که آن را در دست راست خود می‌کردند. یاقوت کبود که گوهر عدل الهی است، نماد وفاداری و مناسبات و صلح خواهی است.

داشتن مهره خاص از زمانهای بسیار قدیم در ایران باستان معمول بوده و فردوسی در شاهنامه اشاراتی در این باره دارد. از جمله در داستان «کشته شدن سهراب به دست رستم» چنین می‌گوید:

کنون بند گشای از جوشنم	برهنه بین این تن روشنم
چو برخاست آواز کوس از درم	بیامد پر از خون دو رخ مادرم
همی جانش از رفتن من بخت	یکی مهره بر بازوی من بیست
مرا گفت کین از پدر یادگار	بدار و بین تا کی آید بکار

شاهنامه ۵۰۴/۲

فردوسی در جای دیگر «در باز آمدن بیژن و منیژه باگستهم» چنین می‌گوید:

بفرمود پس شاه آزر جوی	که آرند گهستم را نزد اوی
دریغ آمد او را سپهد به مرگ	که سندان کین بد سرش زیر تگرگ
ز هوشنگ و طهمورث و جم شید	یکی مهره بد خستگان را امید
رسیده به میراث نزدیک شاه	بیازوش بودی همه سال و ماه

مهره گهواره:

در قدیم مهره کبود یا نظر قربانی را برای دفع چشم زخم بر بالای گهواره آویخته‌اند چنانکه صائب تبریزی در بیتی می گوید:

نو نیاز عشق چو فرهاد و مجنون نیستم بود از سنگ ملامت مهره گهواره‌ام

صائب تبریزی

مهره گیس بند:

مهره‌ای باشد که بر گیسوی اطفال بندند برای محافظت از چشم بد.

به دکان او مهره گیس بند فرو ریخته بهر دفع گزند

میرزا طاهر وحید به نقل از لغت نامه دهخدا

۳- دایره کشیدن

عشایر و روستائیان غرب کشور اطراف بستر زن زائو را خطی دایره‌ای می کشند و می گویند این خط حضرت سلیمان است به خاطر آنکه زائو از شر بلا یا و نظر بد به دور باشد و هنوز به زبان آوردن جمله «کره داووت» (خط حضرت داوود) در زبان کردی رایج است.

جمله «کره داووت وه دورت بود» (یعنی: خط حضرت داوود به دورت باشد) هنگامی که کسی قصد سفر داشته باشد یا هنگامی که کسی در مورد بیماری لاعلاجی سخن می گوید این جمله را تکرار می کنند و اعتقاد دارند که با تکرار این جمله خود و مخاطب سخنش از آن بیماری محفوظ خواهند بود. اسطوره‌شناس معروف، میرچا الیاده می گوید: «دایره ساختن و دایره زدن ایمنی بخش است و مانع از هجوم ارواح خبیثه می شود».

نمونه‌هایی از فضای قدسی دایره را می توانیم در هنگام برداشت محصول در بین روستائیان غرب کشور مشاهده کرد، آنها وقتی گندم و جو کوبیده شده را به وسیله باد پاک می کنند محصول پاک شده را به صورت فله‌ای به حالت دایره درمی آورند که در اصطلاح محلی به آن «ماسیه» می گویند. سپس دور ماسیه را خط می کشند و قبل از اینکه محصول پاک شده را در گونی بریزند نوعی نان به نام «گرده» که از شیر، آرد، زردچوبه تهیه می کنند و با اطرافیان می خورند و بر این باورند که با این کار برکت محصول افزایش می یابد.

۳-۱- دایره و رقص مدور چویی (cupi)

چویی نوعی رقص کردی است که به صورت گروهی همراه با ساز و دهل برگزار می شود. رهبری

رقص را (سر چوپای کش) دارد که در یک دست دستمال و در دست دیگر رقصندگان وصل است و با حالتی دورانی می چرخند.

ماری شمیل در کتاب «شکوه شمس» در مورد مولانا شاعر بزرگ صوفی و پیشوای درویشان چرخزن چنین می گوید:

با نه پدر در هر فلک یک چند دوران کرده ام با اختران در برجها، من سالها گردیده ام رقص دورانی یا چرخشی این مسلمانان دیندار از رمزگرایی کیهان سود برده و تقلیدی است از گردش دوازده سیاره پیرامون خورشید، آنان بر محور خویش می چرخند بسان صور فلکی یا صور کواکب و در عین حال همه گروه دور درویشی که در مرکز می رقصند و نمودگار خورشید ست چرخ می زنند.

۲-۳- دایره و اشیاء زینتی:

اشیاء زینتی دایره مانند از قبیل: دست آورنجن، کمر بند، حلقه، طوق و گردن بند در تمام تمدنها علاوه بر آنکه باعث زیب و زینت آدمی از دوران ماقبل تاریخ بوده اند به عنوان طلسمی که خواص جادویی داشته مورد استفاده واقع شده اند. حتی در هنگام مرگ با همین اشیا مردگان را دفن کرده اند.

۳-۳- دایره و معماری:

کنگره های برج و بارو و ارگ و حصار و خندق که به صورت دایره وار می باشند با برگزاری آئین هایی برای هزیمت دیوان و اهریمنان و دفع بیماری واگیر ساخته شده اند. هر چند کنش اساسی آنها حفاظت است زیرا ذهنیت جادویی مردم تمدن های پیشین دایره را عامل حفاظت و نگهداری دانسته اند به همین خاطر بسیاری از شهرها بر طبق الگوی دایره بنیاد شده اند. مثلا شهر رم که دو قطر آن را به چهار بخش تقسیم می کند و به چهار دروازه منتهی می شود. طرح شهر بغداد که در سال ۱۴۵ هجری ساخته شده مدور است برای آنکه نماد جهان باشد.

استاد دکتر شفیع کدکنی در کتاب گزیده غزلیات شمس درباره بغداد از نظر مولانا چنین می گوید: «بغداد از نظر مولانا رمز مرکزیت و شهر بزرگ (ام البلاد) جامعه اسلامی است و مولانا هر جا بخواهد از شهری بزرگ که دارای دیدنی ها و خوشی ها بسیار است سخن بگوید بغداد را مثل می زند».

۴- تقدس آب چشمه:

در ایران به ویژه در روستاهای غرب کشور چشمه ها مقدس هستند و گاه برخی از چشمه ها از احترام زیادی برخوردارند. قصه های عامیانه بسیاری درباره چشمه سارها و پریان نیکوکار این چشمه ها هنوز بر سر زبان هاست که نشانی کهن از ایزد بانوی ایران زمین «آناهیتا» دارند. از این رو اگر امروزه شمار زیادی از بناها و پل ها در ایران که بسیاری از آنها بازمانده های بناهای کهن هستند و به نام قلعه دختر، برج دختر، پل

دختر می‌باشند. اثر از نام این ایزد بانوی آبها و چشمه‌سارها دارد، باید آن را نشانه‌ی جایگاه والای آن ایزد بانوی اساطیری در باورهای مردم این مرز و بوم دانست. حتی دایره نفوذ این ایزد بانو را در ادبیات به ویژه شعر فارسی می‌توانیم ببینیم. در شعر فارسی نیز بارها از ناهید (یا زهره) به عنوان نمادی برای موسیقی نام برده می‌شود.

به عنوان نمونه حافظ چنین می‌گوید:

زهره سازی خوش نمی‌سازد مگر عودش بسوخت کس ندارد ذوق مستی، میگساران را چه شد؟
آداب کهن طلب باران که در بعضی روستاها بر جای است و سفره دختر شاه پریان که هنوز مرسوم است
نشانه‌ای از فدیهای است که به آنها اهدا می‌شده است.

۵- سوگند به خورشید نازنده (وه ایه خوره نازاره)

یکی از سوگندهای رایج در میان روستاها و عشایر غرب کشور برای اثبات صداقت و راستی در گفتار خود سوگند به خورشید نازنده است (وه ایه خوره نازاره قسم) که رگه‌های از آئین «مهر» به عنوان فرشته و ایزد راستی و پیروزی از زمانهای بسیار کهن مورد ستایش و احترام اقوام آریایی بوده، در اسناد مکتوب ایران باستان اشارات متعددی مبنی بر نیایش مهر وجود دارد.

شاهان هخامنشی از جمله اردشیر دوم و اردشیر سوم در کتیبه خود «مهر» را ستوده‌اند و در اوستا نیز قسمتی از یشتها (مهر یشت) به نام اوست. در دوره ساسانیان نیز این ایزد که ناظر بر (عهد و پیمان) است و «نظم و راستی را می‌پیماید» اهمیت ویژه و جایگاه خاصی در اعتقادات و باور ایرانیان داشته است، به طوری که در نقش برجسته‌ای در «طاق بستان» که مراسم تاج‌گیری اردشیر دوم (۳۷۹-۳۸ م) از دست اهورا مزدا را نشان می‌دهد مهر را می‌بینیم که ناظر بر این صحنه است. در این نقش، مهر در حالی که تاجی از اشعه خورشید بر سر و شاخه‌های «برسم» در دست دارد دیده می‌شود. در زبان فارسی امروزی از واژه «مهر» مفاهیم و معانی مختلفی از جمله: خورشید، عهد و پیمان و نیز دل‌بستگی و محبت مستفاد می‌شود.

نام هفتمین ماه شمسی هم «مهر» است و از آنجا که در ایران باستان هر یک از روزهای ماه به نام ایزدی خوانده می‌شد، شانزدهمین روز هر ماه به نام ایزد «مهر» بود و از این رو روز «مهر» از ماه «مهر» «مهرگان» خوانده می‌شد جشن مهرگان برپا می‌کردند. ابوریحان بیرونی در کتاب آثار الباقیه در این خصوص چنین می‌گوید:

«گویند مهر که اسم خورشید است در چنین روزی ظاهر شد و به همین مناسبت این روز را بدو منسوب کرده‌اند. پادشاهان در این جشن تاجی که به شکل خورشید و در آن دایره چرخ مانند نصب بود به سر می‌گذاشتند.»

منابع و ماخذ:

- ۱- باقری، مهری (۱۳۷۶) دین‌های ایرانی پیش از اسلام، دانشگاه تبریز.
- ۲- بیرونی، ابوریحان (۱۳۶۳) آثارالباقیه...، ترجمه اکبر دانا سرشت، تهران.
- ۳- پرنیان، موسی (۱۳۷۹) فرهنگ عامه کرد (کرمانشاه)، نشر چشمه هنر و دانش، تهران.
- ۴- پیر بایار، ژان (۱۳۷۹) رمز پردازی در آتش، ترجمه جلال ستاری، نشر مرکز، تهران.
- ۵- دوبوکور ف مونیکی (۱۳۷۹) رمزهای زنده جان، ترجمه‌ی جلال ستاری، نشر مرکز، تهران.
- ۶- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه.
- ۷- شفیعی کدکنی (۱۳۷۶) دکتر محمد رضا، گزیده‌ی غزلیات شمس، شرکت کتابهای جیبی، تهران.
- ۸- شمس، صادق (۱۳۷۷) نگاهی به فرهنگ مردم کرمانشاه، فکر نو، تهران.
- ۹- کویری، سوزان (۱۳۷۲) آناهیتا در اسطوره‌های ایرانی، جمال الحق، تهران.
- ۱۰- ماری شمیل، ان (۱۳۶۷) شکوه شمس، ترجمه‌ی حسن لاهوتی، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، تهران.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی